بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

خارج فقه - فی الاوانی جلسه2 مساله1 – 22/3/1400

( فصل - فی الاوانی - استفاده از ظرف غصبی - وضو گرفتن از ظروف غصبی - صور مساله - اقوال - ادله - اشکالات استاد )

درباره مساله یک در مورد اقسام و احکام ظروف حرام بحث می شد اما چهارمین آن : استفاده از ظرفهای غصبی است فقها نوشته اند استعمال ظرفهای غصبی حرام است و جایز نیست و منظور از عدم جواز استعمال تصرف است که کسی حق ندارد بدون اذن مالک در ظرفی تصرف کند پس مراد استعمال نیست و ممکن است که ظرف جابجا شود و بشود استعمال اما این را تصرف نمی گویند

فقها استعمال از ظروف غصبی را مطلقا حرام می دانند چه ظرف مباح باشد یا نباشد مثلا در درون این ظرف غصبی اب است و یک ظرف دیگر هم اب دارد که مالک اجازه استفاده داده است حق ندارم در آن ظرف غصبی اب بخورم یا وضو بگیرم چون روایت اجازه نداده است فرمودند که مال مسلم مثل خون مسلمان است : لا یحل دم امرؤء مسلم و لا ماله الا بطیبة نفس منه ، علاوه اینکه این مساله از ضروریات فقه است چون حرمت مال مسلمان مثل خون اوست لذا در این مساله شبهه و خلافی نیست

پنجمین قسم : آیا وضو و غسل از ظرفهای غصبی صحیح است یا نه ؟ برای تعیین حکم باید صور مساله بیان شود

صورت اول : ظرف بزرگ است که در آن می توان غسل ارتماسی یا وضوی جبیره ای کرد در اینجا همه فقها قائل به بطلان وضو و غسل اند و شکی نیست

صورت دوم :ظرف کوچک است و این ظرف هم تارة : از دورن آن مشت مشت آب برداشته می شود و اخری : اینکه به اندازه نیاز آب برداشته می شود

اما در آنجایی که مشت مشت گرفته شود از ضمیر کلمه منها در عبارت مرحوم سید همین قسم استفاده می شود مثلا وضوی ترتیبی می گیرد در این فرض سه قول است :

قول اول : وضو و غسل مطلقا باطل است چه ظرف دیگری باشد و چه منحصر به همین ظرف باشد و مرحوم سید به این نظر فتوا داد

قول دوم : بین انحصار و عدم آن تفصیل است که اگر ظرف همین بود فقط وضو و غسل باطل است اما اگر منحصر نبود باطل نیست مثل اقای اراکی ره

قول سوم : چه در صورت انحصار و چه غیر آن صحیح است مثل اقای خویی و .... و هو المختار

اما دلیل قول اول : که وقتی به تدریج و مشت مشت از دورن این ظرف غصبی برای وضوی ترتیبی آب بر می دارد عرفا تصرف حساب می شود و تصرف در مال غصبی حرام و نهی در وضو است و نهی در عبادت مبطل است حال این دلیل مال آنجایی است که ظرف منحصر نباشد اما آنجایی که منحصر است قاعده تزاحم در اینجا جاری نمی شود چون بر نمازگذار وضو واجب و از آن طرف غصب حرام و وجوب وضو به حدی نیست که بتواند با حرمت غصب مزاحمت ایجاد کند آنچه که همه اصحاب قبول دارند این است که تیمم بکند حال اگر کسی قائل شود که وجوب وضو صلاحیت مزاحمت با حرمت غصب را دارد به باب اجتماع امر و نهی وارد و قواعد آن را جاری می کند مثل مرحوم سید که امتناعی اند باید حکم به بطلان کند و اینجا باید تیمم کند

اشکال استاد بر این دلیل فوق : مشت مشت برداشتن آب تصرف صدق نمی کند بلکه استعمال می گویند و فرض بحث این است که از مباح است و مالک ظرف مالک آب نیست وقتی تصرف صدق نکند وجهی برای بطلان نیست چون دلیل لا یحل ان یتصرف فی مال غیر بدون اذنه جاری نمی شود بسیاری از بزرگان گرفتن آب از غصبی را تصرف نمی دانند لذا این استعمال است و به این امر عرفا تصرف نمی گویند

اما دلیل قول دوم : چون وقتی که اولین مشت آب را گرفت و به اولین عضو وضو ریخت به ایشان می گویند ایشان واجد آب نیست و مشتهای بعدی هم به عنوان اینکه تصرف در غصب است و حرام می شود. این صورت امر به وضو بی ملاک می شود چون مشتهای بعدی تصرف در حرام است و نهی در عبادت موجب تقرب نیست و از این جهت وضو گرفتن در صورت انحصار باطل است اما در صورتی که انحصار ندارد اولین مشت ابی که برداشت نظیر آبی است که در آن ظرف مباح است تا استعمال این آب جایز است و بقیه مشتها استعمال آن جایز است چون این آبها نظیر آن آبهایی است که ظرف مال خودش است و اب مباح مبطل وضو نیست ،( مستمسک ج ۲ ص ۴۶)

اشکال استاد : در فرض انحصار، تیمم واجب می شود چون مصداق آیه فلم تجدوا ماء است مثل کسی است که آب ندارد چه عقلی مثلا در بیابان است عقلا آب پیدا نمی شود و چه عدم وجدان شرعی که مثلا آب غصبی است حال اگر تیمم نکرد و وضو گرفت می شود می توان حکم به صحت کرد چون فقها دو دسته داند در اینجا یک دسته قائل به وجود ملاک امر به وضو هستند که آنجایی که آب غصبی است و تصرف حرام است وجوب وضو ملاک دارد یا دسته دوم ترتب می گویند که یعنی لا تتصرف و إن عصیت و تصرفت و اخذت الماء منه فتوضأ که حالا که اگرعصیان کردی و از این ظرف آب گرفتی وضو بگیر و ترتب در فرض عصیان است